

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)
۱۳ می ۲۰۱۷

انتخاب زنان ایران، سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است!

بعد از ۳۸ سال حاکمیت رژیم سرکوبگر و زنستیز جمهوری اسلامی، چه کسی نمی‌داند که فلسفه انتخابات این رژیم عملاً کشمکش باندهای حاکم، بر سر تقسیم قدرت است. تلاش همه جناح‌ها این است که بتوانند با کشیدن مردم به پای صندوق‌های رأی، به عمر ننگین خود بیفزایند و این‌گونه برای خود در سطح جامعه و جهان مشروعیت بخرند.

در هرم حاکمیت نظام سرمایه‌داری و مردسالار جمهوری اسلامی، بعد از رهبر و ارادل و اوباش بیت رهبری، رئیس‌جمهور مهم‌ترین عنصر و قافله‌سالار نظام آپارتاید جنسیتی است. در سایه این نظام، امروز و بعد از نزدیک به چهار دهه حاکمیت و پشت سر گذاردن یازده دوره ریاست جمهوری، تعرض لجام گسیخته به حقوق فردی و اجتماعی زنان و اعمال تبعیض‌های جنسیتی بر آنان به یک ضرورت سیاسی برای بقای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است؛ و هر اندازه ابعاد روی‌گردانی از مذهب و ورشکستگی ایدئولوژیک اسلام سیاسی آشکارتر می‌گردد، سران رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با این روند ابعاد تازه‌ای به سیاست‌های زنستیزانه خود می‌دهند و این‌گونه خشونت بر زنان را در ابعاد وسیع و در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر زنان تحمیل می‌کنند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور هرکس که باشد، مهره‌ای است از مهره‌های این رژیم. مهره‌ای که برای اجرای قانون اساسی برگرفته از شریعت اسلامی، تعرض هر روزه و سازمان‌یافته بر زنان را به مهم‌ترین رکن سیاست خود، برای به بند کشیدن کل جامعه تبدیل می‌کند. در این نظام مردسالار طبقاتی، از بی‌کاری، فقر و بی‌خانمانی گرفته تا افزایش خشونت، تن‌فروشی، استثمار خانگی، چندهمسری، خودکشی و خودسوزی، اسیدپاشی، اعتیاد، فرار از خانه، ازدواج اجباری و... شرایطی هستند که زنان را تبدیل به قربانیان اصلی این نظام کرده است. در نظام آپارتاید جنسیتی جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور از هر جناحی که باشد، اصول‌گرا یا «اصلاح‌طلب»، تفاوتی به حال زنان ایران ندارد. این رژیم تلاش می‌کند با اعمال انواع خشونت‌های قانونی بر زنان، تبعیض جنسیتی را در اجتماع و خانه پاسداری کند؛ و زنان را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با دشواری‌های بیشتری روبه رو سازد. طبقه حاکمه وظیفه خود می‌داند که در حراست از رژیم جمهوری اسلامی و

شریعت اسلام، مبلغ، مروج و پاسدار حجاب اسلامی باشد؛ و پایه‌های مردسالاری را در سایه اسلام و نظام سرمایه‌داری و با تدوین قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی (قانون اساسی و مجازات‌های اسلامی علیه زنان) تقویت کرده و این‌گونه تلاش دارد زنان را آن‌چنان در بند بردگی نگه دارد که از دستیابی به ایده‌ها و افکار نوین برای زیر و رو کردن این مناسبات ستمگرانه دور بمانند.

زمانی که عدم رعایت حجاب اسلامی و آشکار شدن تار موی زنان ایدئولوژی حاکم را زیر سؤال می‌برد و دفاع از حق برابر زنان با مردان، کلیت نظام سیاسی را به تقابل فرا می‌خواند و به مبارزه زنان خصلتی سیاسی و ضد مذهبی می‌دهد، ستراتیژی جنبش رهائی زنان به‌طور اجتناب‌ناپذیری به مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برچیدن نظام طبقاتی حاکم گره می‌خورد. در چنین شرایطی از دستور کار خارج کردن مبارزه با ریشه‌های ستم‌کشی زنان و مبارزه با ساختار رژیم سیاسی حاکم و متعاقباً رهنمود شرکت در انتخابات - که از جانب بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و فمینیست‌های نئولیبرال در درون جنبش زنان تجویز می‌شود - عملاً جنبش زنان را در چارچوب تنگ قوانین ارتجاعی حاکم محصور می‌کند و این‌گونه به بقای رژیم حاکم یاری می‌رساند.

تاریخ سی و هشت ساله این رژیم گواه بی‌حقوقی زنان است. زنان همواره از حق انتخاب پوشش، حق انتخاب همسر، حق داشتن غذای مکفی، حق کارکردن غیرمشروط، حق سلامتی جسمی و روانی، حق شاد بودن و ... محروم‌اند. حق ما زنان جامعه‌ای است که در آن هیچ کسی گرسنه نمی‌ماند، هیچ کسی برای زنده ماندن اعضای بدنش را نمی‌فروشد، هیچ زنی به‌خاطر فقر تنش را نمی‌فروشد، هیچ زنی جنین دخترش را به خاطر جنسیتش سقط نمی‌کند، هیچ زنی از ترس تجاوز بر خود نمی‌لرزد، هیچ خانواده‌ای برای زنده ماندن دخترش را نمی‌فروشد، هیچ زنی به خاطر عشق‌ورزی سنگسار نمی‌شود، هیچ مذهب و دولت و فردی بدن زن را کنترل نمی‌کند، هیچ زنی بدون خواست و اراده‌اش وادار به ازدواج نمی‌شود، هیچ زنی فرزندش را راهی جنگ به نام غرور ملی نمی‌کند، هیچ زنی به نام ناموس تحقیر و کنترل و کشته نمی‌شود، هیچ زنی خشونت را در بندبند زندگی روزانه‌اش تجربه نمی‌کند و همه حق مشارکت واقعی در تعیین سرنوشت‌شان دارند و...

در نتیجه اولین گام برای ساختن چنین جامعه‌ای، مبارزه پی‌گیر و سازش‌ناپذیر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. این خواست از درون صندوق رأی بیرون نخواهد آمد. حتا تحریم انتخابات، شرکت نکردن و مبارزه منفی هم دیگر کفایت نمی‌کند. باید بساط رأی‌گیری و انتخابات این دولت را در هم ریخت! بله ما زنان سرنوشت جمهوری اسلامی را باید با مبارزه پی‌گیر و خستگی‌ناپذیر برای سرنگونی‌اش پیش ببریم نه پای صندوق‌های رأی!

ما به شورش و طغیان رأی می‌دهیم!

انتخاب زنان ایران سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است!

کارزار مبارزه علیه خشونت دولتی، اجتماعی و خانگی بر زنان در ایران

۸ می ۲۰۱۷ / اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶